





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی بایسنغر

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر خلیل الله افضلی

مدیر داخلی: مسعود امینی

دستیار سردبیر: سیندخت تمنا

پوشه و برگ آرا: حسین علی ابراهیمی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲ خورشیدی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

رویه نامه: عبارت دعایی «هرات صانها الله عن الآفات و النکبات» و نظایر آن نوشته کاتبان گوناگون

نشانی پخش:

■ افغانستان، هرات، شهر نو، ضلع شمالی ارگ، پلاک ۱، ساختمان باغ شهر، مؤسسه پژوهشی بایسنغر

شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۳۵۱۹۲ | ۰۰۱۴۲۴۵۰۲۹۳۲۱



شماره سوم نامه بایسنغر با حمایت مالی آژانس کمک و همکاری جمهوری ترکیه (تیکا) در هرات منتشر شده است.



مؤسسه پژوهشی بایسنغر

نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

(۳)

۱۴۰۲ خورشیدی

این شماره از مجله در پایگاه اینترنتی مؤسسه پژوهشی بایسنغر به نشانی زیر قابل دسترس است:

WWW.BAYSUNGHUR.ORG

راه‌نمای نگارش مقاله

۱. مقاله باید حاصل پژوهش علمی نویسنده/نویسندگان دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ خراسان کهن با تأکید بر پژوهش‌های مربوط به هرات باشد و در هیچ مجله یا مجموعه‌ای به چاپ نرسیده یا برای آن‌ها ارسال نشده باشد.
۲. مقاله به ترتیب باید شامل چکیده (۵ تا ۸ سطر) کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (پرسش تحقیق، پیشینهٔ تحقیق، روش و منابع)، بحث و بررسی و نتیجه باشد و از ۱۵ صفحهٔ A۴، ۲۵ سطر تجاوز نکند.
۳. ارسال چکیدهٔ انگلیسی در صفحه‌ای جداگانه همراه با مشخصات نویسنده یا نویسندگان الزامی است.
۴. منابع مورد استفاده در پایان مقاله و براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده به شرح زیر آورده شود:
کتاب: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل «»)، نام نشریه، دوره/سال، شماره، شمارهٔ صفحات مقاله.
مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل «»)، نام ویراستار یا گردآورنده، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شمارهٔ صفحات مقاله.
سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ استفاده از سایت اینترنتی (داخل «»)، عنوان موضوع (داخل «»)، نشانی سایت اینترنتی.
۵. ارجاعات در متن مقاله به صورت پانویس (نام خانوادگی، نام، نام کتاب یا مقاله، تاریخ انتشار، شمارهٔ صفحه) نوشته شود.
۶. نقل قول‌های مستقیم بیش از ۵ سطر در صورت جدا از متن با فرورفتگی (نیم سانتیمتر) از دو طرف درج شود.
۷. توضیحات تکمیلی و معرفی منابع بیشتر در پیوند به موضوعات مختلف، در

یادداشت‌های مقاله ارائه شود.

۸. مقاله بر اساس شیوه‌نامه مؤسسه پژوهشی بایسنقر که در وب‌سایت مؤسسه قابل دسترس است، تنظیم شود. در صورت لزوم، مجله در ویرایش ادبی مقالات بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

فهرست

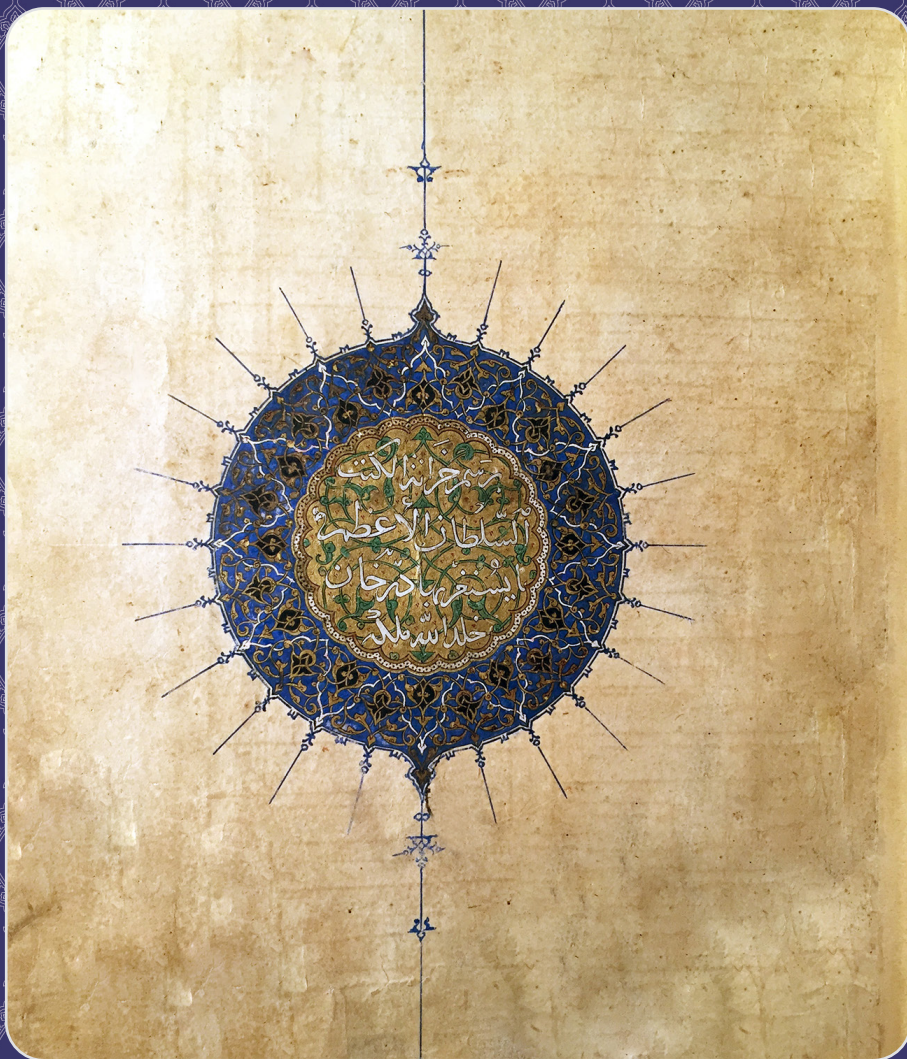
- ۵..... راه‌نمای نگارش مقاله
- ۱۱..... سرنامه
- ۱۷..... **بخش نخست؛ جست‌وجو**
- ۱۹..... پیوند داستان‌سرایی عامه و مذهب عامیانه: بررسی نقش بی‌بی ستی در ابومسلم‌نامه..... دکتر آمنه ابراهیمی
- ۳۹..... معروف بغدادی و نخستین فعالیت‌های کارگاه بایسنغر میرزا..... دکتر شیوا میهن
- ۸۳..... محرّر مجالس العشاق؛ سلطان حسین بایقرا..... دکتر مهدی بیلافی
- ۱۱۱..... آئینه‌شاهی؛ واکاوی اندیشه مولانا حسین واعظ کاشفی در تکوین مکتب سیاسی هرات..... دکتر داوود عرفان
- ۱۳۳..... آگاهی‌های تازه درباره‌ی امیر جمال‌الدین عطاء‌الحسینی..... دکتر خلیل‌الله افضل
- ۱۷۳..... مقایسه‌ی افسانه‌ها و حکایت‌های مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنغری با روایت‌های شفاهی..... دکتر محمد جعفری قنوتی
- ۱۸۵..... پژوهشی در آب‌انبارهای محله‌ی قضاّت در شهر کهنه‌ی هرات..... غلام‌محمد عاصم و دکتر تتسویا اندو | برگردان از انگلیسی: طه آور
- ۲۰۹..... جعفر بایسنغری؛ حیات، هنر و شیوه..... سید امیر منصوری
- ۲۴۷..... اولنگ‌اولنگ، ترانه‌ی مراسم عروسی مردم هرات..... دکتر اسدالله شعور

- آرامگاه محمد غازی در فوشنج ۲۸۱
دکتر برنارد اوکین | برگردان از انگلیسی: سیندخت تمنا
- تکمله‌ای بر مقاله «آرامگاه محمد غازی در فوشنج» و آخرین مرمت این بنا ۳۱۵
سیندخت تمنا
- بخش دوم؛ هرات‌شناسی** ۳۲۷
- تذکرۃ الصالحین یا حصۃ سوم رسالۃ مزارات هرات ۳۲۹
دکتر محمدشعیب مجددی
- مقامات مولانا کلان زیارتگاهی ۳۴۹
دکتر عارف نوشاهی
- دو فرمان سلطان حسین بایقرا در آرشیو ملی افغانستان در کابل ۳۷۷
دکتر شیوان ماهدرا راجا | برگردان از انگلیسی: معصومه نظری
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ۴۰۱
رادک سیکورسکی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ۴۰۹
دکتر کریستینا نوله کریمی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب تاریخ هرات از چنگیزخان تا امیر تیمور ۴۱۳
دکتر شیوان ماهدرا راجا | برگردان از انگلیسی: سید وهاب فروغ طبیبی
- بازتاب اندیشه‌های جامی در آثار منطقه ۴۲۳
دکتر محمد افضلی
- معرفی کتاب قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری ۴۳۵
دکتر داوود عرفان
- مرواریدی در هرات ۴۴۳
دکتر اسراء السادات احمدی
- کتیبه‌های آبدان مسجد جامع هرات ۴۵۱
دکتر خلیل‌الله افضلی
- از نامه ادبی هرات ۴۵۷
عبدالغفور سنگانی
- جایابی باغ نعمت‌آباد و بناهای بازمانده از آن ۴۶۵
مسعود امینی
- خانقاه پوران ۴۸۷
حمیدالله کامگار

۴۹۵	بخش سوم؛ هریوکان
۴۹۷	پهلوان محمد ابوسعید و ترجمه فارسی رساله حالات پهلوان محمد مقدمه: مسعود امینی برگردان رساله از ترکی جغتایی: احمد حسینی مروی
۵۲۱	بخش چهارم؛ عرضه داشت
۵۲۳	گزارش کاری مؤسسه پژوهشی بایسنغر
۵۳۳	بخش پنجم؛ تازه درگذشتگان
۵۳۵	غلام حیدر اسیر هروی
۵۳۹	محمد آصف فکرت هروی
۵۴۳	فضل الله زرکوب
۵۴۹	دکتر اسدالله حبیب
۵۵۵	عبدالله سمندر غوریانی
۵۶۵	عبدالکریم تمنا
۵۶۹	محمد شاه واصف باختری
۵۸۱	گزارش مختصری از برنامه های بازسازی دفتر تیکا در هرات

نامه بایسنغر، شماره سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی

بخش نخست! جست و جو



گلستان سعدی، ۸۳۰ ق.، کتابت جعفر تبریزی، شماره ۱۱۹، per. کتابخانه چستربیتی،
دابلین، ایرلند.

جعفر بایسنغری؛ حیات، هنر و شیوه

سید امیر منصوری^۱

مختصری در حیات جعفر

در فرهنگ ایرانی گویی هنرمند خود را سالک و صوفی دیده است. هر چه از زیبایی خلق کرده آن را از منبع هستی تصوّر کرده و به همین سبب از خویشتن خویش یاد نکرده است. در برخی از هنرها مانند شعر که با سخن سر و کار داشته، نشانه‌های بیشتری از حیات هنرمند می‌یابیم؛ لیکن هر چه ارتباط هنرمند با زبان کمتر می‌شود، آثار حیات او بیشتر روی در حجاب می‌کشد. اگر هنرمند ما خطاط باشد، به واسطه ارتباطش با نوشته، گاهی در اثرش یادی از خویشتن کرده است، اما وقتی پای تذهیب و نگارگری به میان می‌آید، همان نشانه‌های جزئی هم محو می‌شود. در این میان خوش‌بختیم که کار ما به هنرمندی از زمره خطاطان افتاده است؛ شخصی به نام جعفر از اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم که ظاهراً تبریزی ست و داروغگی کارگاه کتاب‌آرایی بایسنغر در هرات را بر عهده دارد و به عنوان یکی از استادان دوره آغازین خط نستعلیق شناخته می‌شود.

رد پای این استاد زبردست خط و سرحلقه کارگاه کتاب‌پردازی بایسنغر را در سه حوزه می‌توان دید. نخست آثار اوست که شامل نسخه‌های خطی و قطعات می‌شود. دیگر آنچه از اسناد و تواریخ و نوشته‌های ترجمه‌نویسان برمی‌آید و سه دیگر پژوهش‌هایی ست که تا روزگار ما درباره او صورت گرفته است.

نخستین رقم بازمانده از خوش‌نویس ما به سال ۸۱۶ ق. برمی‌گردد و آخرین آن‌ها در ۸۳۸ ق. کتابت شده است. در این میانه او از خود با نام و القابی یاد می‌کند که بیانگر وابستگی اش

۱. نسخه‌پژوه - Amiremansoori@gmail.com

سیاس بسیار دارم از پژوهشگر گرامی «فرهاد احراری» برای تصاویری که از کتیبه‌های منسوب به جعفر بایسنغری در اختیار نگارنده قرار داده است و همچنین از دکتر بانو شیوا میهن برای مطالعه و برطرف کردن برخی ایرادات و لطف بسیاری که در اعطای تصاویر داشته‌اند، نیز از استاد نایب شیرازی ممنونم که مقاله را مطالعه کردند و پیشنهادهای مغتنمی فرمودند.



به دربار و یا گسستن از آن است. در چهار اثری که پیش از پیوستن به دربار بایسنغر، میانه سال‌های ۸۱۶ تا ۸۲۲ ق.، کتابت کرده، از خود با عنوان «جعفر بن علی التبریزی (۱)، جعفر التبریزی الحافظ (۲)، جعفر الحافظ التبریزی (۳)، جعفر الکاتب التبریزی (۴)» یاد می‌کند. بنا بر این درمی‌یابیم که او در خویشتن به داشتن دو جایگاه، نخست «حافظ بودن» و دو دیگر «کاتب بودن» مباحثات می‌کند.

پس از پیوستن به دربار بایسنغر اولین اثر خویش را در ۸۲۴ ق. می‌آفریند و در آن از خویش با عنوان «ابن علی جعفر البایسنغری (۵)» یاد می‌کند. این القاب را در جدول شماره ۱ آورده‌ایم. آنچه از این القاب مستفاد می‌شود آن است که او خود را چه در آثاری که محققاً برای دربار بایسنغر کتابت کرده و چه در آثاری که احتمالاً برای دیگران کتابت کرده است از خود به انواع مختلف یاد می‌کند و این‌طور نیست که حتماً در آثاری که برای بایسنغر میرزا کتابت شده، خود را با لقب «جعفر بایسنغری» خطاب کند، اما هر جا که از خود با عنوان «جعفر بایسنغری» یاد می‌کند، می‌توان گفت به تحقیق آن اثر را برای بایسنغر میرزا کتابت کرده است. بنا بر رقم‌هایی که رشحه قلم اوست نامش «جعفر الحافظ البایسنغری بن علی التبریزی» است و چنان که مشاهده شد او با این القاب در دوره‌هایی از حیات امضاهایی از خود برجای گذاشته است.

حیات و سفر

جعفر تبریزی ظاهراً در تبریز متولد شده است و با توجه به اولین اثر باقی‌مانده از او باید حدود سال‌های ۷۷۵ - ۷۸۵ ق. این اتفاق افتاده باشد تا به توانایی کتابت دیوان همام با قلم نستعلیق در سال ۸۱۶ ق. که ظاهراً اولین نسخه کتابتی باقی‌مانده از او در حدود سی سالگی است، رسیده باشد. جعفر چنان که خود در رقم محبوب القلوب ذکر می‌کند، ظاهراً در همان ۸۱۶ ق. حافظ بوده است. بنا بر گفته مهدی بیانی با استناد به مرقع موجود در خزینه اوقاف استانبول (توقاپو)، جعفر به دربار جلال الدین میرانشاه بن تیمور (۸۱۰ - ۸۰۷ ق.) در تبریز راه داشته است.^۱ پس از این تاریخ او در قطعاتی از *خمس نظامی* در مرقعی که اکنون در کتاب‌خانه دولتی برلین نگهداری می‌شود محل کتابت خود را «یزد» ذکر می‌کند: «خُدِم بِکِتَابَتِهَا الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ، اَضَعُفُ عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَحَوَّجَهُمَ إِلَى عَفْوِهِ وَ غَفْرَانِهِ، جَعْفَرُ الْحَافِظُ التَّبْرِيزِيُّ أَحْسَنَ اللَّهِ عَوَاقِبُهُ فِي يَوْمِ الْاَثْنَيْنِ رَابِعِ عَشْرِ رَبِيعِ الثَّانِي لِسَنَةِ عَشْرِينَ وَ ثَمَانِمِائَةِ هِجْرِيَةِ نَبْوِيَّةٍ، بَدَارِ الْعِبَادِ يَزْد، صَانِتٌ عَنِ الْحَدَثَانِ»^۲؛ بنا بر این تا ۸۲۰ ق. هنوز به دربار بایسنغر میرزا وارد نشده است.



۱. بیانی، مهدی، *احوال و آثار خوش‌نویسان*، ۱۳۶۳، ص ۱۱۵.

۲. کتاب‌خانه ملی برلین، شماره ۳۲۷ S.



دیوانی از حافظ به تاریخ ۸۲۲ ق. در مجموعه روان کشکو^۱ کاخ موزه توقیاقپو نگهداری می شود که رقم «جعفر الحافظ»^۲ در آن دیده می شود. علی الظاهر این اثر را هم در یزد و پیش از وارد شدن به دربار هرات کتابت کرده است، چرا که قرائن کتاب آرای آن از جمله تذهیب به شیوه دیوان همام و البته کمی نازل تر است.

نخستین اثری که رقم آن گویای ورود جعفر تبریزی به دربار بایسنغر است خسرو و شیرین مورخ ۸۲۴ ق. است که در آن خود را «ابن علی جعفر البایسنغری»^۳ معرفی می کند و این لقب البته چیزی نبوده است که بلافاصله پس از ورودش به دربار بایسنغر میرزا حاصل شده باشد بلکه مطمئناً مدتی در راه دریافت این عنوان زمان صرف شده است؛ بنا برین حدوداً تاریخ ورود او را به هرات می توان پس از ۸۲۲ ق. دانست که تقریباً ۳۶ سال سن داشته است.

جعفر علاوه بر کتابت و حفظ قرآن کریم در نوشتن و اداره امور کارگاه کتاب آرای نیز توانا بوده است و چنان که از الفاظ و عبارات مذکور در رساله عرضه داشت برمی آید، علاوه بر آنچه ذکر شد، به مراحل انجام هر یک از کارها «نگارگری، رنگریزی، جلدسازی و ...» نیز آگاه بوده است و به همین سبب «داروغه کتاب خانه» شده و زیر دستش کاتبانی چون «محمد مطهر نیشابوری، مولانا شمس، مولانا قطب و مولانا سعد الدین»^۴ فعالیت می کرده اند و «گویند که چهل کاتب خوش نویس در کتاب خانه او (بایسنغر) به کتابت مشغول بودند و مولانا جعفر تبریزی سرآمد کتاب بوده»^۵ است. جعفر ظاهراً علاوه بر آنچه برشمرده شد در شاعری هم دستی داشته، یا حداقل حرمان از دست دادن حامی اش (بایسنغر میرزا) او را بر آن داشته که ترکیب بندی در رثای او بسراید و این ترکیب بند در دیوان مراثی بایسنغر که اکنون در کتاب خانه ملی تبریز محفوظ است، درج شده است:

عرصه آفاق را ای چرخ ویران کرده ای	کعبه اقبال را با خاک یکسان کرده ای ...
گر گلی کم شد ز گلزار جهان، آخر چه شد	ورز درج سلطنت کم شد دری، زین هم چه غم
آفتاب دولت سلطان اعظم، شاه رخ	باد بر خلق جهان تابنده، از لطف و کرم
شه علاءالدوله را در سایه این پادشاه	شادمانی بخش، چون هستند با اخوان بهم
از برای حرمت روح شهنشاه جهان	بیش دادی حرمت شاهان را از اقران کم

1. Revan Köşkü

۲. دیوان حافظ، کاخ موزه توقیاقپو مجموعه روان کشکو، شماره ۹۴۷.

۳. خسرو و شیرین، کتاب خانه آکادمی علوم سنت پترزبورگ، نقل از: بیانی، مهدی، احوال و آثار خوش نویسان، ۱۳۶۳، ص ۱۲۰.

۴. پارسای قدس، احد، «عرضه داشت»، هنر و مردم، شماره ۱۷۵، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۴۷.

۵. سمرقندی، دولت شاه، تذکرة الشعرا، تصحیح فاطمه علاقه، ۱۳۸۹، ص ۶۲۶.

تا که القاب شهنشاه را نویسد در کتاب باد چون جعفر هزارش بنده تا یوم الحساب^۱

اگر بپذیریم که جعفر کتیبۀ مسجد گوهرشاد هرات را نوشته است و آن کتیبۀ به خط ثلث، مورخ ۸۴۱ ق. با رقم «جلال جعفر» اثر او است، می توان گفت که وی در کتیبۀ نویسی نیز کمال مهارت را داشته و در قلم های درشت نیز توان خود را نشان داده است ولی این موضوع مورد شک نگارنده است و بر این گمانم که این کار اثر شخص دیگری می باشد که نام خود را به صورت مبسوط در کتیبۀ مزار زین الدین خوافی به سال ۸۴۸ ق. ثبت کرده است.

از زمان دقیق پایان حیات جعفر اطلاع دقیقی در دست نیست و مهدی بیانی در احوال و آثار خوشنویسان با استناد به رقم مرقع موجود در خزینۀ اوقاف استانبول^۲ معتقد است که تا ۸۵۹ ق. در قید حیات بوده است، لیکن از او چهل حدیثی به تاریخ ۸۴۹ ق. نیز در کتاب خانۀ مجلس شورا^۳ نگهداری می شود که ظاهراً مجعول است و به هیچ وجه ظرافت و نفاست و دقت آثار جعفر را ندارد. با این همه معلوم است که او در فراغ از وطن (تبریز) حال غریبی داشته است، چنان که در رقم یکی از قطعات مرقع بهرام میرزا صفوی که رسم خزانه بایسنغر میرزا را دارد می گوید: «خُدم بکتابتها العبد الغریب الغریق فی بحار الفراق و الحریق بنار الاشتیاق جعفر التبریزی، ختم الله ماله بالخیر و الحسنی فی سنة ثلاث و ثلثین و ثمانمائه الهجرية النبویة». بنا بر این رقم که برای بایسنغر میرزا نوشته است و خود را نه با نام «جعفر بایسنغری» بلکه با عنوان «جعفر التبریزی» یاد کرده چنین برمی آید که این تبریزی غرق دریای فراغ و سوزندۀ در آتش اشتیاق وطن با وجود همه مقام و تقرّب به دربار تیموری، از بودنش در هرات دلگیر بوده است.

استادان و شاگردان

شمس الدین محمد وصفی در دیباچۀ مرقع شاه اسماعیل (احتمالاً ۹۱۶ ق.) می گوید: «... و مولانا جعفر تبریزی که خطوط اصل و فرع را بسیار نیک نوشته ... در خط نسخ تعلیق استاد مولانا اظهر ... است و مولانا سلطانعلی مشهدی ... شاگرد مولانا اظهر است»^۴.
مجنون رفیقی هروی در آداب الخط (نیمۀ نخست سده دهم قمری) می گوید:

۱. جنگ مرآئی بایسنغر، ۲- ۵، شماره ۲۹۶۷. کتاب خانۀ ملی تبریز.

۲. بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱.

۳. چهل حدیث، کتاب خانۀ و مرکز اسناد مجلس شورا، شماره ۱۳۶۵۴.

۴. نوروزیان، گیتی، ظهیر الدین اظهر، ۱۳۹۷، ص ۹.



اظهر که به جای صیرفی بود حسن جلی‌اش به از خفی بود
هر چند که جعفر اوستاد است اظهر به صفا از او زیاد است
دُرّجی دُرّ پر صفای اظهر به بود ز درج‌های جعفر

میرعلی هروی در رساله مداد الخطوط (نیمه نخست سده دهم قمری) می‌نویسد: «... مولانا ملا اظهر هروی - رحمه الله علیه - در برابر حکیم جعفر، حکم خواجه عبدالله صیرفی دارد نسبت به خواجه یاقوت، اگرچه صاف‌تر از مولانا حکیم جعفر نوشت، لیکن در اصول به وی نرسیده»^۲ است.

علی بن حسن خوشمردان معروف به سیّد بابا در نیمه نخست سده دهم در رساله تعلیم الخطوط خود از جعفر تبریزی و شاگردان او چنین یاد می‌کند: «و مولانا جعفر تبریزی این خط را به مرتبه کمال رسانید، با وجود آنکه خطوط دیگر را در غایت خوبی می‌نوشت. و شش قلم را اصل و این دو قلم را فرع گرفت. و او را سه شاگرد بود که هریک در نوشتن خطی، بی‌مثل و بی‌نظیر عالم گشتند، و هرگز هیچ استادی را چنین سه شاگرد نبوده؛ اول در خطوط اصل: مولانا شهاب الدین عبدالله هروی ... و شاگرد دوم مولانا جعفر مذکور در قلم تعلیق مولانا عبدالحی منشی است ... و شاگرد سیّم مولانا جعفر مذکور در قلم نسخ تعلیق مولانا اظهر هروی است»^۳.

کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (نیمه دوم قرن نهم هجری) در مطلع سعدین شاگردان جعفر را چنین برمی‌شمارد: «امروز مولانا ظهیر الدین اظهر و مولانا شهاب الدین عبدالله و مولانا جلال الدین شیخ محمود شاگردان مولانا جعفر لایظیر عصرند»^۴.
نگارنده تاریخ رشیدی (میرزا محمد حیدر دوغلات) در اواسط قرن دهم درباره جعفر و اساتید و شاگردانش چنین می‌نویسد:

میرعلی تبریزی که مخترع این خط است در زمان میرتیمور بوده است. شاگرد وی است مولانا جعفر اگرچه او خطوط را همه نیک نوشته و در همه خطوط استاد فرق است، چنان که در ثلث و نسخ و رقاعی و محقق و ریحان مولانا عبدالله آشپز وی شاگرد وی است و حافظ فوطه و مولانا محمود کاتب سمرقندی و غیره شاگردان مولانا عبدالله، دیگر تمام نساخان شاگردان این جماعت اند و همچنین در تعلیق، میرعبدالحی شاگرد مولانا جعفر است و اکثر اهل تعلیق شاگرد میرعبدالحی اند.

۲. همان.

۱. همان.

۳. خوشمردان، علی بن حسن، «رساله تعلیم الخطوط»، نامه بهارستان، سال ۱۳۸۱، شماره ۶، ص ۳۲۰.

۴. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ۱۳۷۲ - ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۳۱.



اما در نسخ تعلیق مولانا اظهر و مولانا شیخ عبدالله خوارزمی و مولانا شیخ محمودی، خفی نویس، این همه شاگردان اواند، چه نوع که مولانا جعفر از مخترع بهتر نوشته (۱۳۰) ر مولانا اظهر از وی خوب تر نوشته است و مولانا جعفر کند و شکسته نوشته است، اما محکم و به ملاحه و سخته، اما مولانا اظهر با وجود این لطایف که مذکور شد، درست نوشته است اما ناهمواری دارد.^۱

قاضی میراحمد منشی قمی در گلستان هنرذیل ذکر خوش نویسان نسخ تعلیق درباره جعفر تبریزی می‌گوید: «واضع خط نسخ تعلیق خواجه میرعلی تبریزی است و او تعلیم پسرش عبیدالله داد و او در این فن سرآمد دوران شد و بعضی دیگر نوشته‌اند که خطش صورتی بر نکرد، اما قول اول اصحست و اقرب، مولانا جعفر شاگرد عبیدالله^۲ است، او خوش نوشته^۳ است. مالک دیلمی در دیباچه مرقع/میر حسین بیگ می‌نویسد: «... و نسبت شاگردی ایشان [سلطانعلی مشهدی] بجناب مولانا اظهر هروی است اگرچه سر خط از او نگرفته‌اند اما از روی کتابات و قطعاتش مشق نموده‌اند و مولانا اظهر، شاگرد مولانا جعفر تبریزی و او شاگرد امیر علی تبریزی است».^۴

قطب‌الدین محمد قصه خوان در دیباچه مرقع شاه طهماسب درباره واضع خط نستعلیق و شاگرد او می‌گوید: «حکایت نستعلیق بر این منوال است که واضع آن مولانا میرعلی تبریز و بعد از او عبدالله پسرش در این خط سرآمد دوران شده، و مولانا جعفر تبریزی که شاگرد عبدالله مذکور است و استاد مولانا اظهر».^۵

خواندمیر در حبیب السیر به شاگردان جعفر چنین اشاره می‌کند: «مولانا اظهر و مولانا شهاب‌الدین عبدالله آشپز و مولانا شیخ محمود که چون ابن مقله صیرفی وقت و یاقوت زمان بودند در شاگردی مولانا جعفر به آن مرتبه تصاعد نمودند».^۶

دوست محمد گواشانی در دیباچه مرقع بهرام میرزا صفوی درباره استادان و شاگردان جعفر تبریزی می‌گوید: «مخترع خط نستعلیق حضرت استادی و قبله‌الکتابی خواجه ظهیرالدین میرعلی تبریزی بوده‌اند و انتساب این سلسه را از ایشان تجاوز داده به دیگری نمی‌توان رسانید و خواجه عبدالله ولد ارجمند مشارالیهی است و شاگرد ایشان است و در حسن خط مشارالیه به مثابه‌ای ست که خط او را هنروان زمان از خط والد بزرگوارش فرق نمی‌توانند کرد و مولانا

۱. دوغلات، میرزا محمدحیدر، تاریخ رشیدی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۵.

۲. در تصحیح حاج سید جواد «عبدالله» مذکور شده که با سخن قطب‌الدین محمد قصه خوان هماهنگ است.

۳. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، ۱۳۵۲، ص ۵۷.

۴. نوروزیان، گیتی، ظهیرالدین اظهر، ۱۳۹۷، ص ۱۰.

۵. مرقع شاه طهماسب، قطب‌الدین محمد قصه خوان، نقل از: مایل هروی، نجیب، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۱.

۶. خواندمیر، غیاث‌الدین، حبیب السیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۹.





فریدالدین جعفر در این خط شاگرد ایشان است، دیگر مولانا کمال الدین شیخ محمود زرّین قلم شاگرد مولانا فریدالدین جعفراند و مولانا ظهیرالدین اظهر نیز شاگرد مولانا جعفراند اما به مرتبه‌ای خوش‌نویس بوده‌اند که خط ایشان را از خط استاد ایشان استادان این فن بهتر می‌دانند، دیگر مولانا جعفر خلیفه ولد رشید مولانا جعفر بود.^۱

با توجّه به سخن خوش‌نویسان، تاریخ‌نویسان و تذکره‌نویسان مذکور چنین برمی‌آید که جعفر تبریزی در نستعلیق شاگرد خواجه عبدالله بن میرعلی تبریزی است و در سایر خطوط شاگرد شمس الدین مشرقی قَطّابی^۲ بوده‌است و شاگردان وی در انواع خطوط عبارتند از: ۱. شهاب‌الدین عبدالله مروارید متخلّص به بیانی در خطوط اصول؛ ۲. عبدالحی منشی در خط تعلیق؛ ۳. عبدالله طبّاخ هروی در ثلث و ریحان؛ ۴. کمال الدین شیخ محمود زرّین قلم؛ ۵. ظهیرالدین اظهر در نستعلیق؛ ۶. جعفر خلیفه ولد جعفر تبریزی؛ ۷. شیخ عبدالله خوارزمی در نستعلیق و ۸. شیخ محمودی خفی‌نویس در نستعلیق.

کیفیت خط جعفر بایسنغری

بیشتر در بخش‌های مختلف درباره شیوه خط جعفر تبریزی در خلال نقدها و نقل‌های معاصرین و متأخرین از احوال و آثار جعفر سخن رفت، اما در این بخش شایسته است جداگانه درباره آن سخن رود و نظر ایشان و مقایسه آثار او با سایرین بیاید. اما از آن‌جا که او به عنوان یکی از دو شخصیت نخست خط نستعلیق شناخته می‌شود، در نقدهای متقدّمین و مقالات متأخرین به این قلم او پرداخته شده‌است و به سایر قلم‌هایی که او به پختگی و توازن بیشتر می‌نوشته‌است یا پرداخته نشده و یا اندک‌تر توجّه شده‌است.

آنچه نگارنده از خطوط سته به قلم جعفر تبریزی دیده رقاّع است که در عنوان و رقم آثار باقی‌مانده از وی استفاده شده و جز این قلم از خطوط سته از خط کوفی مشجّر (ترژیّنی) در کتیبه‌های آثارش بهره برده‌است، اما اگر کتیبه‌های مسجد گوهرشاد هرات و مزار زین الدین خوایی را هم جزو آثار او بدانیم - که بعید به نظر می‌رسد و احتمالاً مطابق سخن دوست محمد گواشانی در دیباچه مرّقع بهرام میرزا صفوی از فرزند جعفر به نام «جعفر خلیفه» ممکن است باشد و یا از جعفری دیگر - می‌توان قلم‌های ثلث او را هم دید و شیوه عمل او در قلم جلی و کتیبه‌نویسی را نیز مشاهده کرد، گرچه مطابق سخن مهدی بیانی قطعات متعدّدی از خط ثلث و نسخ و ریحان او در کتاب خانه توقّیپوی استانبول نگهداری می‌شود، که بخش‌هایی از آن دور از دسترس نگارنده بوده‌است.

۱. مرّقع بهرام میرزا، کاخ توقّیپو، شماره H 2164.

۲. بیانی، مهدی، احوال و آثار خوش‌نویسان، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶.



اما این که او را استادِ عبدالحی در تعلیق معرفی می‌کنند خالی از حقیقتی نبوده، چنان که در آغاز سخن رفت، مرقع باقی‌مانده از وی در کتاب‌خانه برلین بیانگر نامه‌ای است که جعفر به خط تعلیق بسیار پخته نوشته است و چنان که مرسوم دوره او استفاده از تعلیق در مراسلات است ظاهراً بدون تردید می‌توان گفت از این قلم بی‌بهره نبوده و کسانی که او را استاد تعلیق نویسان بعدی دانسته‌اند ظاهراً بی‌راه نرفته‌اند، هر چند میزان خطوط تعلیق موجود از او بسیار اندک و در حد همین مراسله مختصر باشد.^۱

درباره جعفر تبریزی مقالات متعددی نوشته شده است ولی بنا بر استقصای نگارنده هیچ‌یک از این مقالات به خطوط سته و قلم تعلیق و کوفی او نپرداخته‌اند. چنان که یاد شد، از اقلام کوفی، تعلیق، نستعلیق، نسخ، رقع، ثلث، محقق و ریحان جعفر می‌توان در مرقع کتاب‌خانه برلین دید، اما جز در باب قلم نستعلیق وی بحث و بررسی صورت نگرفته است.^۲ مکتوبات او به نستعلیق عموماً به قلم کتابتی است و قلم‌های جلی‌تر از او مشاهده نشده است، بنا بر این قضاوت ما نیز بر اساس این قلم اوست. خط نستعلیق در زمان جوانی جعفر خطی نوپا بوده است و تا رسیدن آن به دوره اظهر و سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی به ترتیب هشت سال، سی سال و پنجاه سال زمان صرف شده است، بنا بر این طبیعی ست که مفردات و اتصالات او به کمال هنری دوره‌های بعد نرسیده باشد. اما تمایز خط او از سایرین را به دو شیوه می‌توان بررسی کرد: نخست مطالعه شیوه او با هم‌روزگاران و دو دیگر بررسی خط وی با سرآمدان هنری سایر عصرها مانند میرعلی هروی (د. ۹۵۱ق.)، میرعماد (د. ۱۰۲۴ق.)، علی‌رضا عباسی (د. ۱۰۳۸ق.)، میرزا غلام‌رضا اصفهانی (د. ۱۳۰۴ق.)، کلهر (د. ۱۳۰۹ق.) و سایرین. البته بررسی شیوه او با سرآمدان سایر دوره‌ها نمایانگر تمایزهای بیشتر خط در آغاز قرن نهم و سایر قرن‌ها خواهد بود، اما بررسی خط جعفر با هم‌دوره‌های او گرچه تمایزهای اندک‌تری را نمایان می‌سازد، اما به تطوّر جزئیات خط او با سایرین ما را آشنا خواهد ساخت، گرچه نباید از نظر دور داشت که خط او از ۸۱۶ق. (اولین اثر تاریخدان باقی‌مانده از وی که صورتی از آن را نگارنده دیده است) تا ۸۵۹ق. (آخرین اثر تاریخدان او) خود نشانگر پیشرفت جعفر تبریزی طی چهل سال است.

بنا بر این در نقد آثار جعفر نخست باید به بررسی روند تطوّر خط او طی چهل سال کتابتش پرداخت و سپس آثار او را با هم‌روزگاران و مانند محمد مطهر نیشابوری، اظهر هروی و آثانی که از ایشان در عرضه دشت نام برده است مقایسه کرد و در ادامه به مقایسه سبک او و دوره او با شاخص‌های سایر ادوار خط پرداخت.

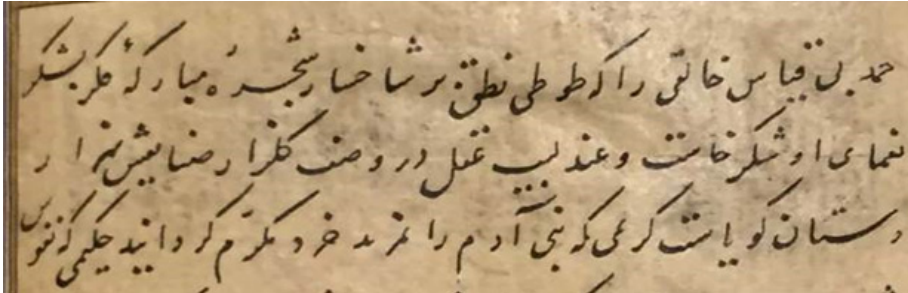
۱. مرقع، کتاب‌خانه ملی برلین، Diez A fol. ۷۴.

۲. بحث درباره همه اقلام مورد استفاده جعفر و نیز دقت در درجه هنری این اقلام نیازمند آن است که خطوط او با سرآمدن پیش و پس او بررسی شود و این کار خارج از حدود این نوشتار است و نیاز به یک تک‌نگاری مفصل دارد.



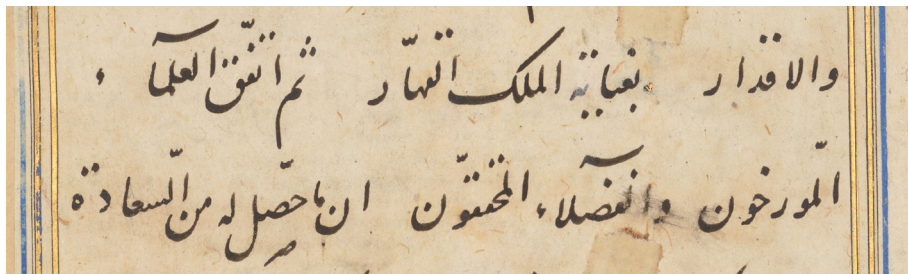
تطوّر آثار جعفر در طول حیات وی

اولین نکته‌ای که در مقایسه خطوط اولیه جعفر تبریزی به‌ویژه دیوان همام به تاریخ ۸۱۶ ق. با سایر آثار او جلب نظر می‌کند، فاصله حروف آغاز سطر از خط کرسی است که به مرور در آثار بعدی وی این نکته حذف می‌شود:



تصویر ۱: دیوان همام تبریزی مورّخ ۸۱۶ ق.

همچنین حرف در پایان سطر بالاتر از خط کرسی قرار نمی‌گیرد، در حالی که در آثار بعدی به‌ویژه در شاهنامه مورّخ ۸۳۳ ق. بدون استثنا حروف آغاز سطر روی خط کرسی است و در پایان سطر حرف آخر بالاتر از خط کرسی نوشته شده است. علاوه بر آن، دیده می‌شود که او به خوبی نتوانسته است پایان سطر را بدون خطای خلوت رقم بزند و آخر سطرهای او یا با جدول فاصله زیادی دارد و یا به جدول مماس می‌شود و از او این نقیصه تا سال ۸۲۹ ق. رفع نشده، کما این که در پندنامه اسکندر هنوز این مشکل در خط او دیده می‌شود:



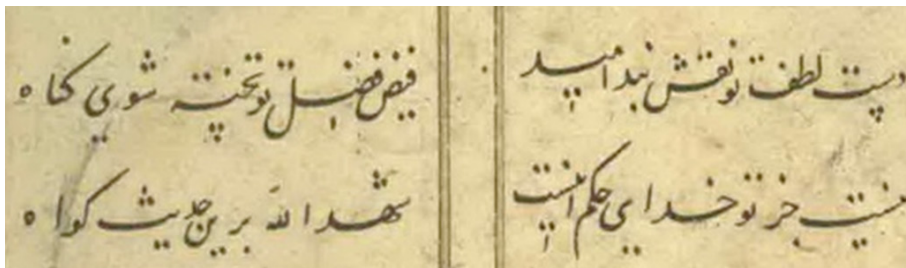
تصویر ۲: پندنامه اسکندر مورّخ ۸۲۹ ق.

در شاهنامه مورّخ ۸۳۳ ق. که جعفر کتابت کرده است، این نقیصه کمتر دیده می‌شود و او با دو تمهید سعی داشته آن را مرتفع کند، نخست آن که او دیگر از حروف منفرد که در پایان مصرع می‌آید برای پرکردن فضای خالی انتهای سطر استفاده نمی‌کند و دیگر این که برخی کلمات یا حروف را در پایان سطر بالاتر از کرسی می‌نویسد و این تمهید ثانوی را ظاهراً در ابیات اول بار استفاده کرده است که محتمل است اندازه سطرها در یک مثنوی و یا غزل محدود

باشد و برخی از کلمات حروف کشیده بیشتری دارند و بنا بر این کاتب ناچار به استفاده از این تمهید می‌شده است تا بتواند مصرعی را در فضایی محدود جای دهد؛ البته نباید از نظر دور داشت که در یکی از مایه‌های قلم نستعلیق (تعلیق) همواره پایان سطر رو به بالاست و بعید نیست که در نستعلیق نیز بالاتر نوشتن حروف انتهایی سطر از آن قلم ناشی شده باشد:



تصویر ۳: شاهنامه بایسنغری مورخ ۸۳۳ ق.

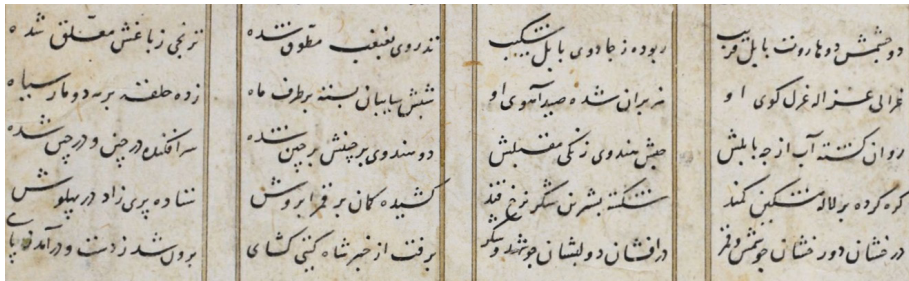


تصویر ۴: دیوان حسن دهلوی مورخ ۸۲۵ ق.

علاوه بر این، چنان که در آثار اولیه، به ویژه دیوان همام تبریزی، مشاهده می‌شود فاصله حروف و کلمات با یک دیگر به تثبیت نرسیده است، در حالی که در آثار بعدی جعفر فواصل میان حروف و کلمات به یک میزان ثابت می‌رسد. همچنین در دیوان همام به نسبت سایر آثار شاهد کشش‌های اندک‌تری در هر سطر هستیم و تقریباً حروف را به یک شکل کتابت کرده است و در آثار بعدی گونه‌های دیگری از اشکال حروف را مشاهده می‌کنیم.

مقایسه آثار جعفر با همروزگاران

نخستین کسی که شایسته است قلم نستعلیق جعفر با او مقایسه شود علی بن حسن / الیاس تبریزی (استاد با واسطه جعفر) است:



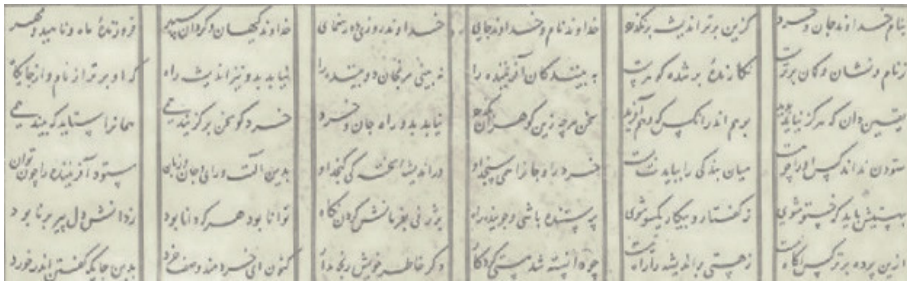
تصویر ۵: همای و همایون خواجوی کرمانی مورخ ۷۹۸ ق.

از تناسبات کلیات خواجوی کتابت میرعلی تبریزی بادیوان همام کتابت جعفر عدم رعایت فاصله مناسب میان حروف و کلمات است، همچنین هنوز حروف به انسجام نرسیده است و زوایا و حدود آن متوازن نیست، نیز ابعاد حروف چندان یکسان نیست و اگر بر فرض مثال سه نویسه «چین» در بیت ششم تصویر بالا روی هم بگذاریم با هم منطبق نخواهند بود. به علاوه، میرعلی تبریزی سعی کرده است «شد» کشیده را با سه نقطه افقی پر کند تا فضا دچار خلوت بیش از اندازه نشود، در حالی که در کتابت جعفر چنین چیزی مشاهده نمی‌شود.

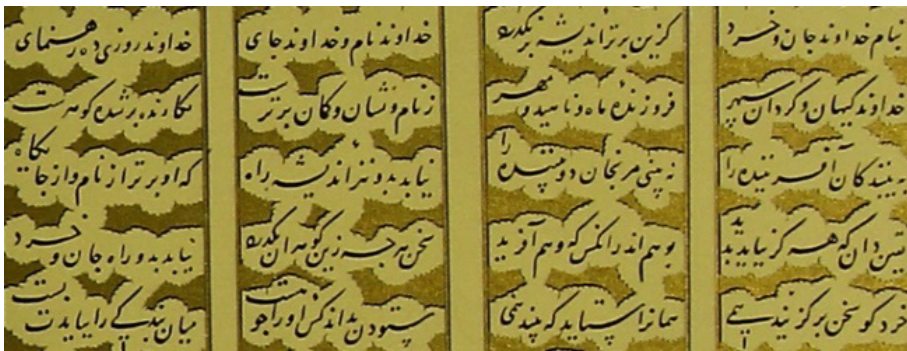
محمد مطهر نیشابوری

شیوه محمد مطهر و جعفر چنان که در این دو نمونه دیده می‌شود بسیار نزدیک است، به طوری که این ذهنیت را به مخاطب متبادر می‌کند که احتمالاً یکی از این دو عیناً کار دیگری را پیش چشم داشته است^۱، اما با این وجود ظاهراً در برخی موارد محمد مطهر هنرمندانه‌تر توانسته برخی حروف را پیاده کند، برای نمونه محمد مطهر در مصرع نخست بیت سوم «کیهان» را سنجیده‌تر از جعفر کتابت کرده و یا فواصل حروف و کلمات در کتابت محمد مطهر تناسب بیشتری نسبت به کار جعفر دارد. با همه این موارد آشکار است که این دو کاتب بسیار به هم از نظر قرائن زیبایی‌شناسانه نزدیک بوده‌اند:

۱. محمد مطهر حدّاقل سه ماه پیشتر کار کتابت را آغاز کرده بود (نقل از داوری شیوا میهن).



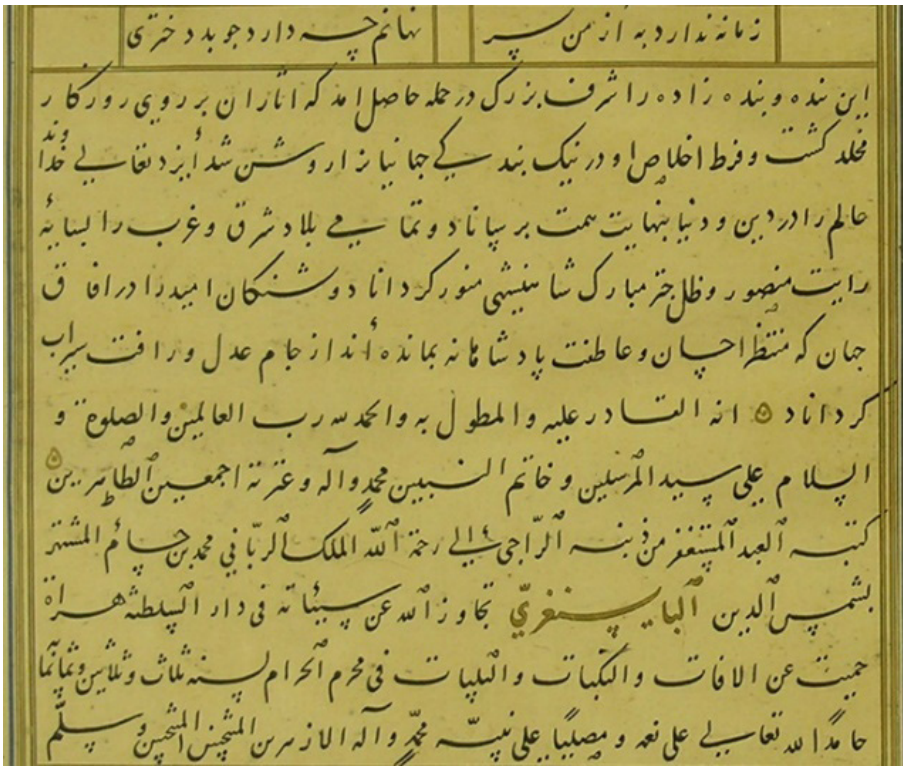
تصویر ۶: شاهنامه مؤرخ ۸۳۳ ق. محمد مطهر



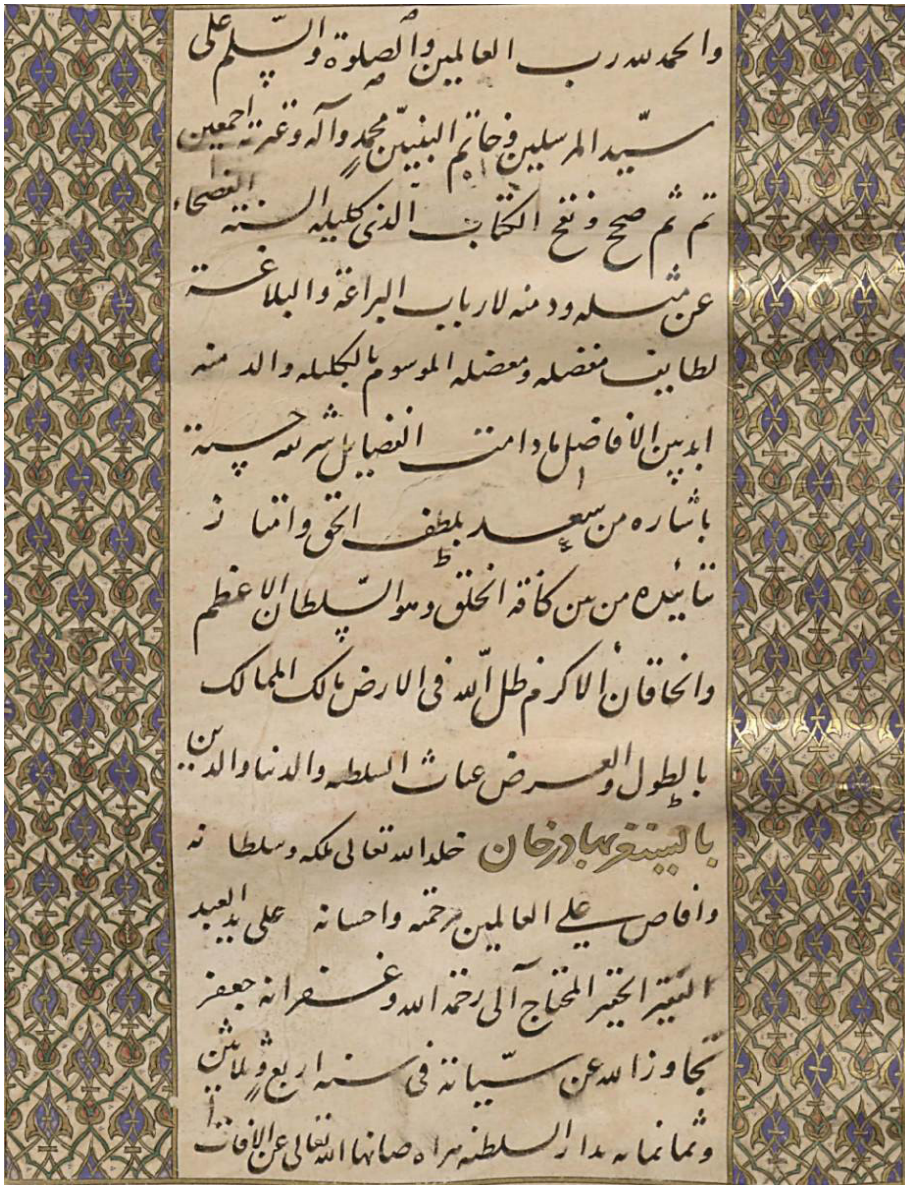
تصویر ۷: شاهنامه مؤرخ ۸۳۳ ق. جعفر

شمس بایسنغری

در کتابت شمس بایسنغری آشکار است که آوردن حروف انتهای سطر در مکانی بالاتر از کرسی به امری قانونمند مبدل نشده و به تناسب خلوت فضای پایان سطرها حروف روی سطر است و یا هنگام اشباع فضا به بالاتر از کرسی رفته است. همچنین آشکارا فضای میان حروف و کلمات به یک معیار دقیق نرسیده است (همان مختصه ای که در خطوط آغازین نمونه های آثار جعفر نیز دیده می شود). فضای خالی میان چهار نویسه «بر سا نا» در سطر سوم نثر به خواننده چنین القاء می کند که با سه کلمه روبه رو است، تا این که با تأمل بیشتر درمی یابد «برساناد» منظور است. همچنین خلوت فضا در برخی بخش های سطور مانند آغاز سطرهای ۷، ۸، ۹ و ۱۰ باعث می شود وزن در این بخش کاهش بیابد و خواننده با خلوت فضا روبه رو شود. از نظر فربهی و یا نازکی حروف نیز کاتب ظاهراً چندان علاقه ای به استفاده از تمامی دم قلم نداشته و به ندرت از تمامی آن بهره برده است.



تصویر ۸: کلیله و دمنه مؤرخ ۸۳۳ ق. شمس بایسنغری



تصویر ۹: کليلة و دمنه مؤرخ ۸۳۴ ق. جعفر بایسنغری



پس و تسایش مرخدا بر اجل جلالت که آثار قدرت او بر چهره روز و روش
و انوار حکمت او در دل شب تار در افشان بخشاینده که تار عنکبوت را سد عصمت
دوستان کرد * جباری که پیش نشسته راتغ قهر دشمنان گردانید * در فطرت کائنات
بوزیر و مشیر و معونت و نظارت محتاج نکشت * و بدایع ابداع را در عالم کون فساد
بیدا آورد * و آدمیان را بنقصیت نطق و فریت عقل بر دیگر حیوانات میزگردانید *

تصویر ۱۰: کلیله و دمنه مؤرخ ۸۳۴ ق. جعفر بایسنغری

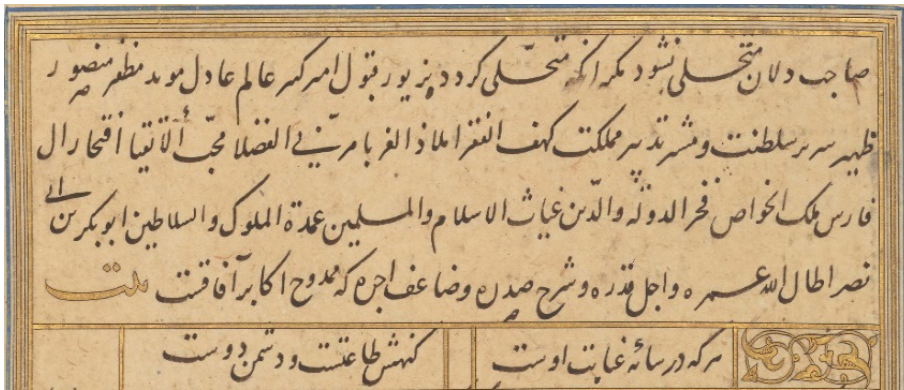
پس و تسایش مرا فرید کاری را جل جلالت که آثار قدرت او بر چهره روز و روش
تابانیت و انوار حکمت او در دل شب تار در افشان بخشاینده که تار عنکبوت
را سد عصمت دوستان کرد جباری که پیش نشسته راتغ قهر دشمنان گردانید و در
کائنات بوزیر و مشیر و معونت و نظارت محتاج نکشت و بدایع ابداع را در عالم
کون و فساد پیدا آورد و آدمیان را بنقصیت نطق و فریت عقل از دیگر حیوانات ممیز

تصویر ۱۱: کلیله و دمنه مؤرخ ۸۳۳ ق. شمس بایسنغری

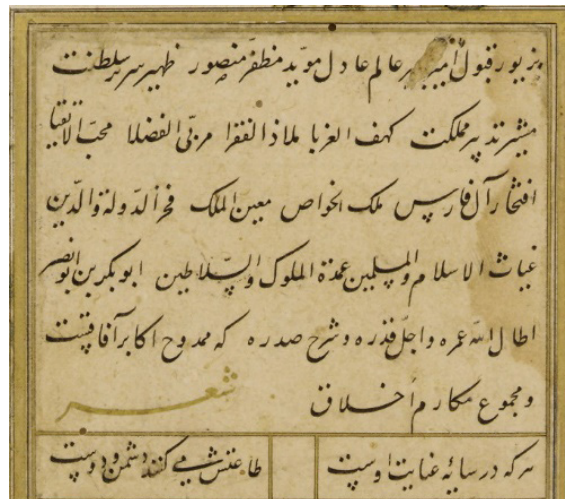
سلطانعلی مشهدی

همان طور که مشاهده می‌شود فواصل میان سطرها در گلستان سعدی مورد کتابت سلطانعلی مشهدی بیشتر از دست‌نویس جعفر است و از همین رو تناسب میان خلوت و جلوت کتابت بیشتر از کار جعفر است که فاصله‌های میان سطرها کمتر در نظر گرفته شده و به همین سبب فضا متراکم‌تر است. به همین جهت است که وقتی نقطه‌های «تدبیر» در کار جعفر کمی پائین‌تر از حد معمول می‌آید تناسب خط کاهش می‌یابد، در حالی که همین واژه

در کار سلطانعلی با فاصله‌ای همانند فاصله نقطه‌های کتابت جعفر (البته کمی کمتر از آن) چندان به چشم نمی‌آید و دارای تناسب است. در کار جعفر تراکم به حدی می‌رسد که زمان بیان القاب ابوبکر زنگی میان هر کدام از ترکیب‌های وصفی فاصله‌ای که برای تمایز میان آن‌ها هنگام خوانش نیاز بوده است نیامده، در حالی که این فاصله در کار سلطانعلی خود باعث خوانش دقیق‌تر مخاطب می‌شود (البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که احتمالاً کاتب این فواصل را برای نوشتن علائم نگارشی در متن حفظ کرده است، ولی به هر روی این امر باعث خوانش بهتر می‌شود):



تصویر ۱۲: گلستان کتابت جعفر، موزخ ۸۳۰ ق.



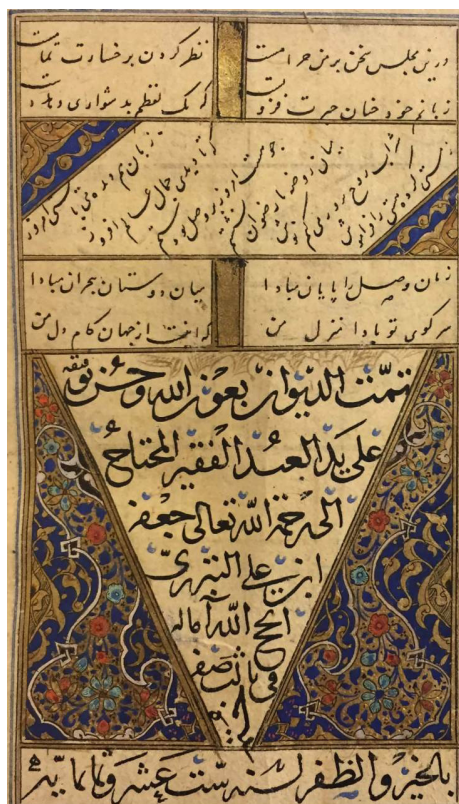
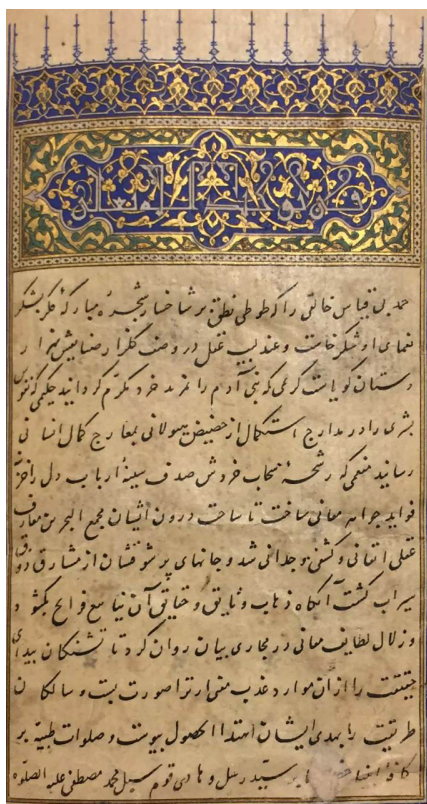
تصویر ۱۳: گلستان کتابت سلطانعلی، موزخ ۸۹۱ ق.



آثار باقی مانده از جعفر تبریزی

از جعفر دو دسته آثار باقی مانده است، نخست کتابت های او و دیگر قطعات است. در این جا به صورت تاریخی به معرفی مختصر این آثار خواهیم پرداخت:

۱. دیوان همام تبریزی محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه ۱۵۳۱ sup persan که به تاریخ ۸۱۶ ق. کتابت شده است:



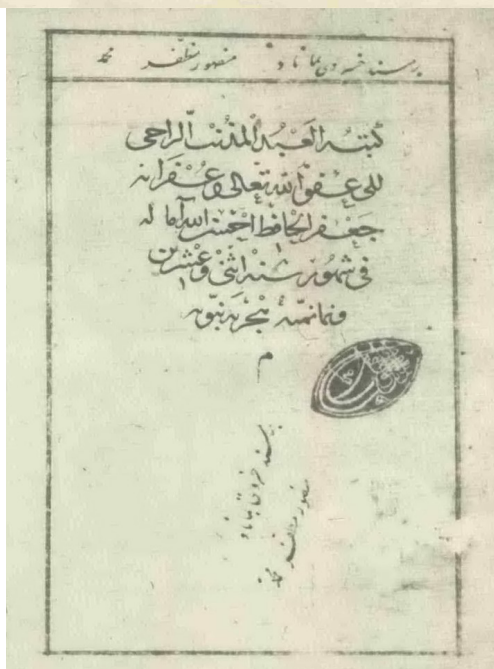
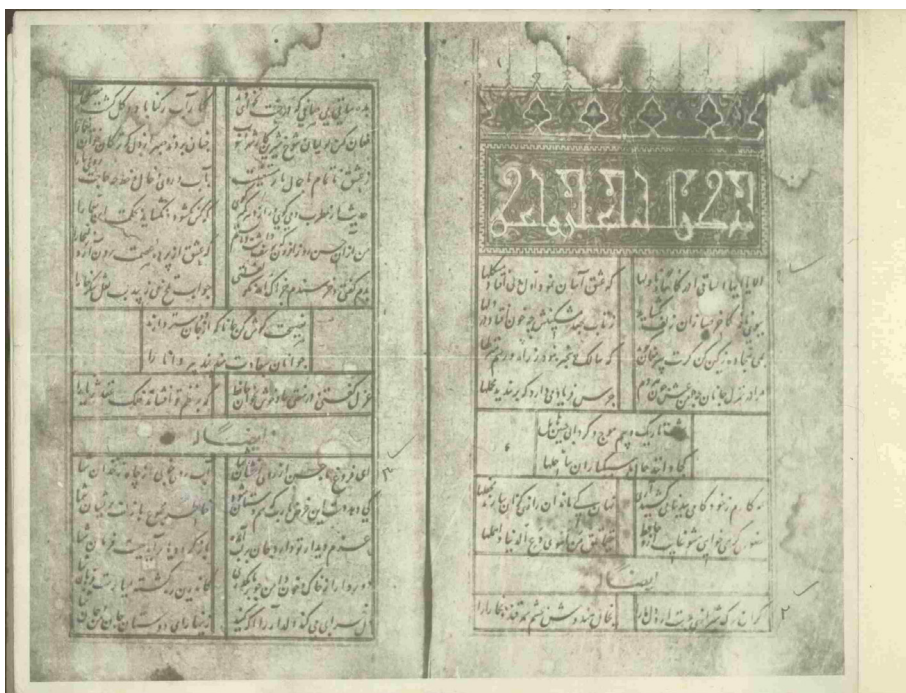
۲. مهر و مشتری عصار تبریزی به تاریخ ۸۲۲ ق.، محفوظ در موزه هنر فریرو سکلر، شماره

LTS 1995. 2. 36:

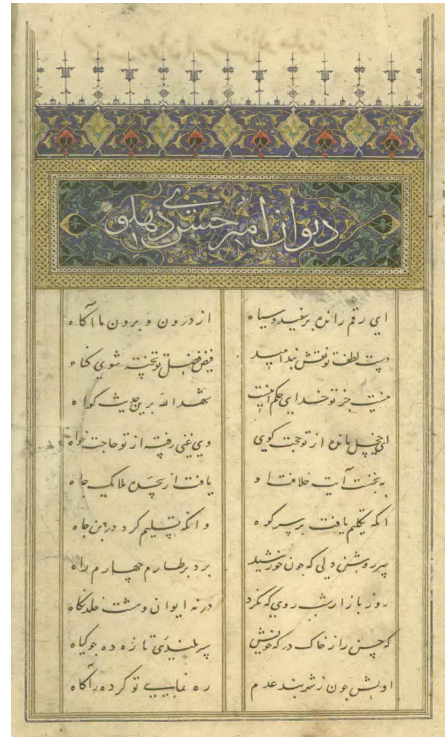




۳. دیوان حافظ موزن ۸۲۲ ق. توقیاقیو، شماره ۹۷۴ R. با رقم جعفر الحافظ:



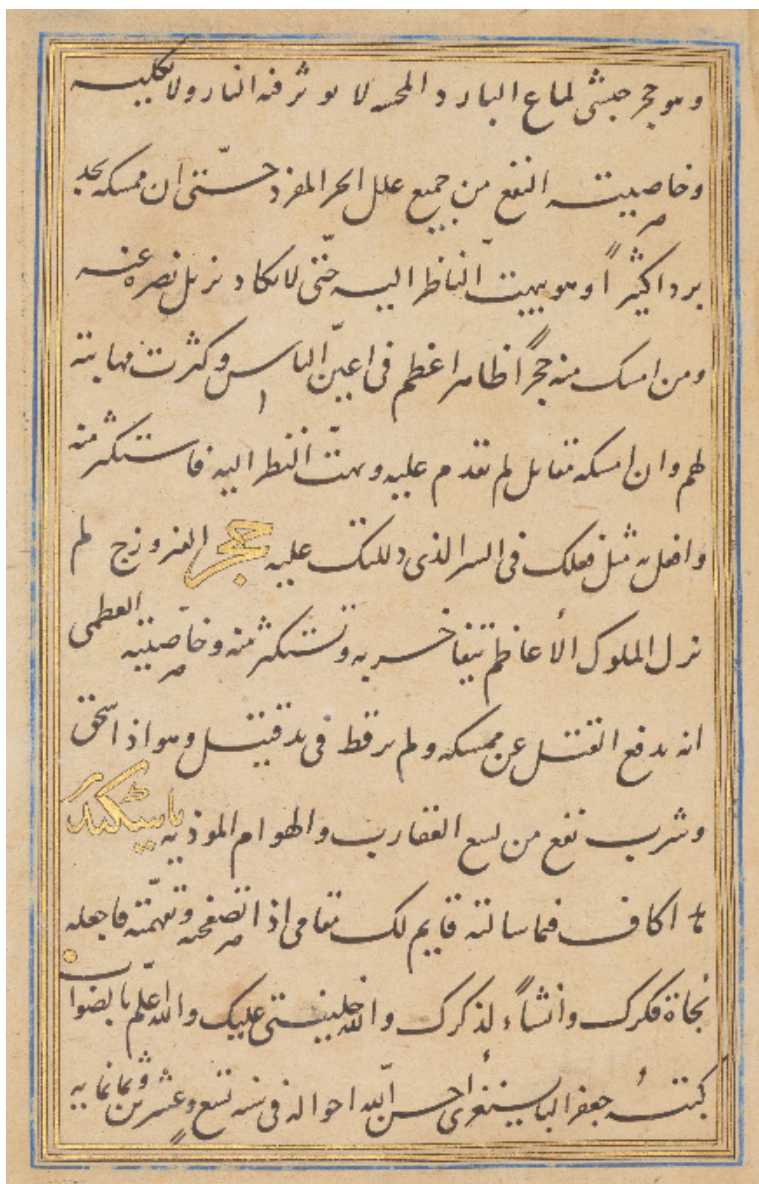
۴. خسرو و شیرین مورخ ۸۲۴ق. که آن را برای بایسنغر میرزا ظاهراً در هرات کتابت کرده‌است و اکنون در انستیتوی خاورشناسی سنت پترزبورگ نگهداری می‌شود.^۱
۵. دیوان حسن دهلوی به تاریخ ۸۲۵ق. محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۰۱۷:



۱. نگارنده تاکنون نتوانسته‌است تصویری از آن به دست بیاورد.



۶. مجموعه‌ای از ۵ متن شامل گلشن راز، لمعات، دیوان عراقی، رساله سلوک و آغاز وانجام خواجه نصیر به تاریخ ۸۲۶ ق. که در هرات و با رقم جعفر بایسنغری کتابت کرده است، سالار جنگ، شماره ۳۴۱۲.
۷. سراسر ارکه در سال ۸۲۹ ق. کتابت شده، چستریتی شماره Ar. 4183:



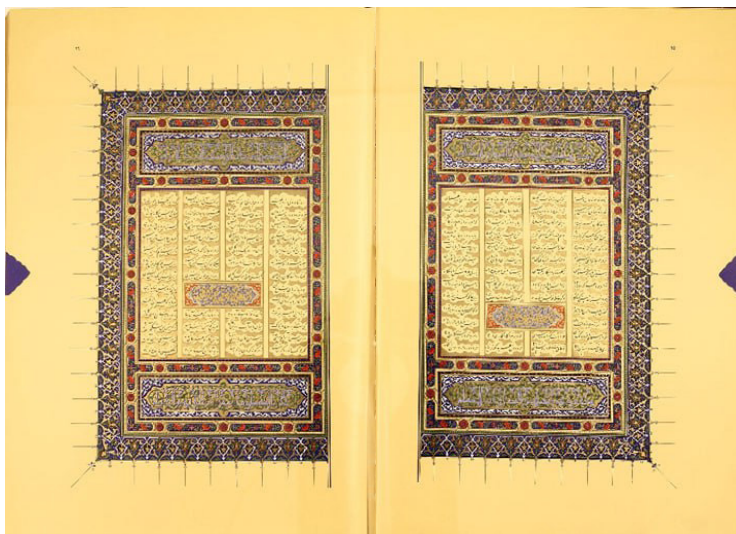
۸. اثر بعدی کتابتی است از گلستان سعدی که در ۸۳۰ ق. آن را نوشته چستریتی شماره ۱۱۹ Per:



نامه بایسنقر، شماره سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی



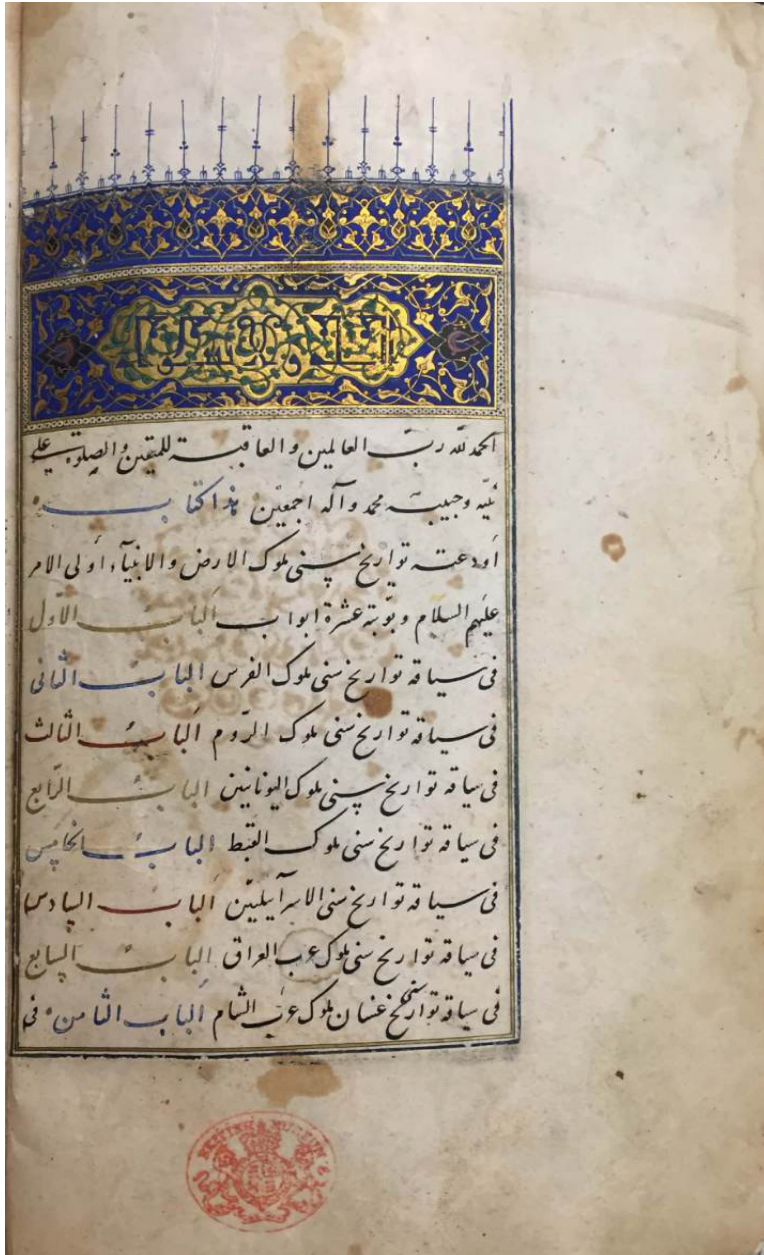
۹. پس از این در ۸۳۳ق. جعفر تبریزی به کتابت شاهنامه پیرگ و بار بایسنغری پرداخته است که ظاهراً سه سالی در این راه صرف کرده و این دست نویس اکنون در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۷۱۶ نگهداری می شود:



۱۰. اثر بعدی کللیله و دمنه ایست که در ۸۳۴ق. توسط جعفر کتابت شده است، توقیاطو شماره H. 362:



۱۱. اثر بعدی به تاریخ ۸۳۴ ق. فراهم آمده، سنی ملوک الارض والانبیاء علی بن حمزه اصفهانی ست که به شماره OR. 2773 در کتاب‌خانه ملی بریتانیا نگهداری می‌شود.





۱۲. دیوان حافظ فاقد تاریخ در موزه آثار اسلامی و ترک استانبول که برای بایسنغر میرزا در هرات کتابت کرده است، شماره ۱۹۲۳:

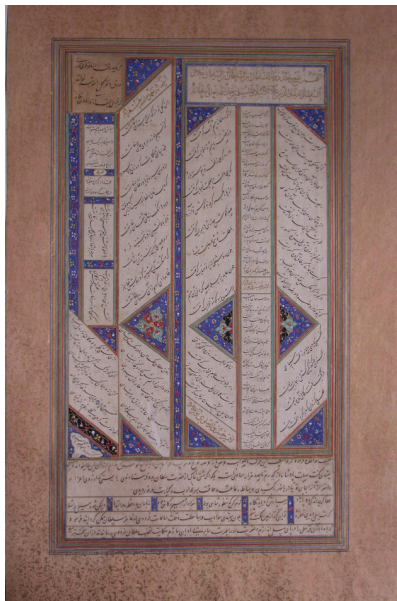


۱۳. صد کلمه علی بن ابی طالب است، مؤرخ ۸۴۷ ق. مجلس شورا، شماره ۱۳۶۵۴:

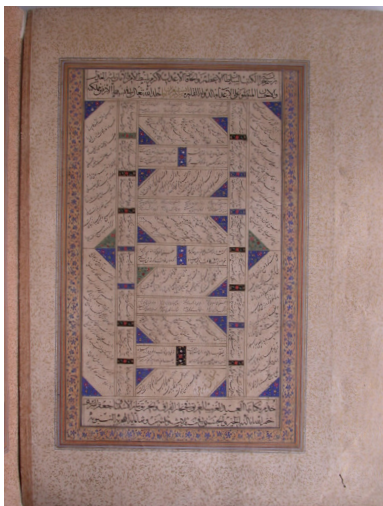




جز این کتاب‌ها از او قطعاتی نیز باقی مانده است:
 ۱. قطعاتی در مرقع بهرام میرزا صفوی به سال ۸۳۳ ق. برای بایسنغری میرزا محفوظ در کاخ
 توپا پوسرای استانبول شماره H. 2164:



۲. برگه از مرقع گلشن محفوظ در کتاب‌خانه کاخ گلستان به شماره ۱۶۶۳ - ۱۶۶۴ که
 فاقد تاریخ است:





۳. قطعه‌ای از جمله مرقعات کتاب‌خانه کاخ گلستان که اکنون در کتاب‌خانه ملی نگهداری می‌شود و به تاریخ ۸۲۷ ق. برای بایسنغر میرزا در هرات کتابت شده است.

۴. عرضه داشت: برگی ست از مرقع منتسب به سلطان یعقوب به شماره H. ۲۱۵۳ محفوظ در کتاب‌خانه کاخ توپقاپو که درباره وضعیت کارهای هنری صورت گرفته در کارگاه‌های هنری دربار بایسنغر گزارش می‌دهد. زمان تهیه آن پیش از پایان کتابت شاهنامه توسط محمد بن مطهر در ۸۳۱ ق. است و می‌توان حدس زد این عرضه داشت که بیانگر تکمیل نیمی از شاهنامه بوده است به احتمال زیاد در ۸۳۰ ق. کتابت شده باشد. در میانه این گزارش، نویسنده از کتابت شاهنامه دیگری توسط خود یاد می‌کند و می‌گوید: «بنده کم‌تر و ذره احقر سه جزو و نیم از کتابت شاهنامه تمام کرده آغاز کتابت نزهة الارواح کرده است» بنا بر این می‌توان حدس زد که گزارشگر این نامه شخص جعفر بایسنغری ست و کاتب این اثر نیز کسی جز او نمی‌تواند باشد. این اثر علاوه بر آن که جزو نوادر اطلاعات ما از وضعیت هنری تاریخ هنر ایران است و اصطلاحات به کاررفته در آن، طبقه‌بندی هنرمندان و نحوه اداره آن را برای ما تا حدودی مشخص می‌کند، اهمیت دیگری هم دارد. این مکتوب برخلاف بسیاری از نامه‌های این دوره، به نستعلیق نوشته شده است. قلم مرسوم نامه‌های این دوره نوعی تعلیق است که در مرقع برلین نمونه اجرای آن توسط جعفر دیده می‌شود، لیکن او در این عرضه داشت راهی متفاوت را پیموده و از قلم نوپای نستعلیق که ضابطه‌مند شده، برای نامه‌ای درباری بهره برده است. ای بسا راز ماندگاری آن نیز



همین باشد. نکته دیگری که از عرضه داشت مستفاد می شود آن است که جعفر نه تنها کاتب خاص و داروغه کتاب خانه بوده، بلکه وظیفه ناظر مجموعه کارهای هنری دربار را داشته، به نحوی که سرکشی به ساختمان های در حال ساخت و دوخت خرگاه و تهیه زین ابزار هنری نیز به عهده او بوده و برپیشرفت تمام این کارها نظارت می کرده است.

۵. سه قطعه از مرقع سلطان یعقوب آق قویونلو به قلم ثلث دودانگ و ریحان و نسخ کتابت خفی و رقاع کتابت جلی ممتاز و نستعلیق کتابت خفی خوش که به نام بایسنغرمیرزا در ۸۳۳ ق. کتابت شده و در کتاب خانه خزینه اوقاف استانبول نگهداری می شود.^۱
۶. سه قطعه در مرقعات کتاب خانه خزینه اوقاف استانبول به قلم های ثلث سه دانگ و نسخ و رقاع نیم دودانگ عالی و نستعلیق کتابت خفی خوش به تاریخ ۸۳۳ ق. نگهداری می شود.^۲

۷. چهار صفحه از مرقع کتاب خانه دولتی برلین شماره Diez A fol. 74. به تاریخ ۸۲۰ ق. به قلم های ثلث، رقاع، توقیع، نسخ، شکسته و تعلیق که در یزد کتابت شده است.



۱. بیانی، مهدی، احوال و آثار خوش نویسان، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱.

۲. همان.



۸. سه قطعه از مرقع مالک دیلمی و هجده قطعه از مرقعات دیگر به سال‌های ۸۵۹ ق.، ۸۳۳ ق.، که برخی برای بایسنقر میرزا ست، در کتاب‌خانه خزینة اوقاف استانبول نگهداری می‌شود.^۱
۹. دو صفحه از اشعار حافظ و دیگران به قلم نستعلیق دو دانگ کتابت خوش در کتاب‌خانه خزینة اوقاف استانبول نگهداری می‌شود.^۲
۱۰. در مرقع شماره (۲۱۵۳) تویقاپو (مرقع سلطان یعقوب) نیز چند خط نستعلیق به امضای جعفر تبریزی دیده می‌شود، از جمله در اوراق ۲۳ ب، ۷۴ و ۷۷ ب.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. علاوه بر این موارد در اوراق ۵۸، ۹۸، ۱۶۰، ۵، ۹۹، ۱۲۰، ۱۴۵، ۱۵۹، ۵، ۲۷، ۹۹، ۱۰۷. از همین مرقع نیز کتابت‌هایی از او وجود دارد که سه‌گی در آثار خوش‌نویسی در دو مرقع سلطان یعقوب، نامه بهارستان، دفتر ۱۱-۱۲، سال ۱۳۸۴-۱۳۸۵، به آن‌ها اشاره کرده‌است؛ علاوه بر این مرقعی به شماره H. 2160 در تویقاپو نگهداری می‌شود که آن نیز در همین مقاله توصیف شده و اوراقی از آن حاوی رقم‌های جعفر بایسنقری است.





مشخصات آثار جعفر به صورت تاریخی در جدول زیر درج شده است:

ردیف	مشخصات اثر	نام کتاب	تاریخ کتابت
۱	دیوان همایون تبریزی، ۱۲۷۰ پ.، کتابخانه ملی فرانسه supplement persan 1531	جعفر بن علی التبریزی	۸۱۶ ق.
۲	مرقّع، کتابخانه دولتی برلین، Diez A fol. 74	جعفر الحافظ التبریزی	۸۲۰ ق.
۳	خسرو و شیرین، موزه هنر فریر، شماره LTS1995.2.36	جعفر الکاتب التبریزی	۸۲۲ ق.
۴	خسرو و شیرین، کتابخانه آکادمی علوم سنت پترزبورگ، نقل از بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، ص. ۱۲۰	ابن علی جعفر البایسنغری	۸۲۴ ق.
۵	مجموعه شامل دیوان عراقی، گلشن راز، آغاز و انجام، رساله سلوک، لمعات، کتابخانه سالار جنگ، شماره ۳۴۱۲	جعفر بایسنغری	۸۲۶ ق.
۶			۸۲۷ ق.
۷	پندنامه اسکندر، کتابخانه چستربیتی، Ar. 4183	جعفر البایسنغری	۸۲۹ ق.
۸	عرضه داشت، کتابخانه کاخ توپقاپوش، H. 2153	[به قرینه فهای کلام]	۸۳۰ ق.
۹	گلستان، کتابخانه چستربیتی، Per. 119	جعفر البایسنغری	۸۳۱ ق.
۱۰	شاهنامه، کتابخانه سلطنتی شماره ۳۴۱	جعفر البایسنغری	۸۳۳ ق.
۱۱	مرقّع بهرام میرزا، کاخ توپقاپوسرای، H. 2164. ۲۱ پ؛ ۲۲؛ ۲۲ پ؛ ۲۵ پ.	جعفر التبریزی و جعفر البایسنغری	۸۳۳ ق.
۱۲			۸۳۳ ق.
۱۳	کلیله و دمنه، کاخ توپقاپوسرای H. 362	جعفر	۸۳۴ ق.
۱۴	تواریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، کتابخانه بریتانیا Or. 2773		۸۳۴ ق.
۱۵	جنگ شعر، کتابخانه چستربیتی، Per. 120	جعفر تبریزی	۸۳۵ ق.
۱۶	مرقّع گلشن، کتابخانه سلطنتی، شماره ۱۶۳۳-۱۶۶۴	جعفر الکاتب	بی تا.
۱۷	مرقّع، کتابخانه ملی برلین، Diez A fol. 74	جعفر التبریزی	بی تا.
۱۸	مرقّع، کتابخانه ملی برلین، Diez A fol. 74	جعفر	بی تا.
۱۹	دیوان حافظ، کاخ توپقاپوسرای R. 947	جعفر الحافظ	بی تا.
۲۰	دیوان حافظ، موزه اسلام و ترک، ۱۹۲۳	جعفر البایسنغری	بی تا.
۲۱	مرقّع سلطان یعقوب، کاخ توپقاپوش، شماره H. 2153؛ ۲۳ پ.	جعفر البایسنغری و جعفر	بی تا.

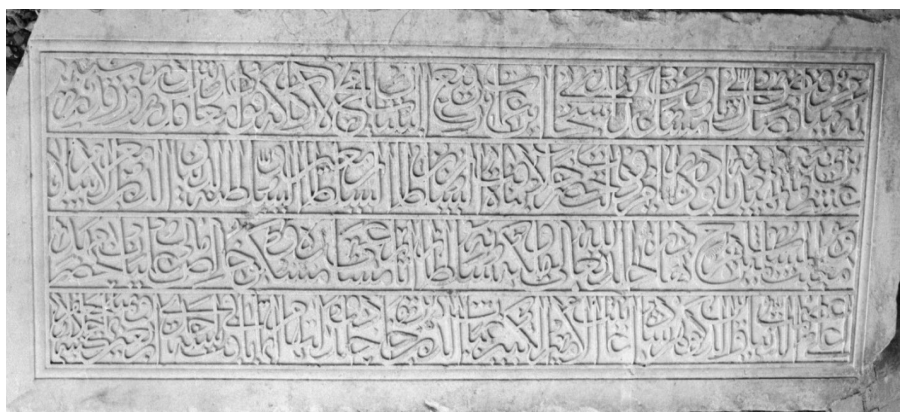


۲۲	گلشن راز، کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۱۰۵۷۹	جعفر البایسنغری	بی تا.
۲۳	خمسه نظامی، کتابخانه بریتانیا، شماره Or. 11911	جعفر التیریزی	۸۳۸ ق.

جدول شماره ۱

کتیبه‌های منسوب به جعفر

دو کتیبه مذکور در متن که برخی گمان برده‌اند از جعفر بایسنغری است نیز در پایان آورده شده‌است و گمان می‌رود این نکته خالی از اهمیت نباشد که رقم مذکور در این دو کتیبه «جلال جعفر بایسنغری» و «جلال الدین بن محمد بن جعفر» بعید نیست که نواده جعفر بایسنغری بوده باشد و سخن صاحب گلستان هنرمینی بر داشتن فرزندی با نام «جعفر خلیفه» با این دو رقم هم خوان نیست، چرا که نام پدر کاتب کتیبه محمد است و این خلاف انتساب کتیبه به فرزند جعفر بایسنغری است که در مدخل «جعفر بایسنغری» از دایرة المعارف بزرگ اسلامی ذکر شده‌است؛^۱



کتیبه مسجد جامع گوهرشاد در هرات به تاریخ ۸۴۱ ق. و به خط ثلث است.

۱. سمسار، محمدحسن، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، مدخل «جعفر بایسنغری».

کتیبه‌ای در خواف به تاریخ ۸۴۸ ق. به خط ثلث و کوفی تزئینی که با آجر در اطراف محراب مزار زین الدین جعفر خوافی اجرا شده است:





فهرست منابع

الف) منابع چاپی

- بیانی، مهدی، (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوش نویسان*، تهران: انتشارات علمی.
- پارسای قدس، احد، (اردیبهشت ۱۳۵۶)، «عرضه داشت (سندی مربوط به فعالیت های هنری دوره تیموری در کتاب خانه بایسنغری هرات)»، *هنر و مردم*، شماره ۱۷۵، صص ۳۴ - ۵۰.
- حیدر دوغلات، میرزا محمد، (۱۳۸۳)، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران: میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، (۱۳۸۰)، *حبیب السیر*، ج ۴، تهران: خیتام.
- خوشمردان، علی بن حسن، (پاییز - زمستان ۱۳۸۱)، «رسالة تعلیم الخطوط»، تصحیح احسان الله شکراللهی طالقانی، *نامه بهارستان*، سال سوم، شماره دوم، دفتر ۶، صص ۳۱۷ - ۳۲۸.
- سمرقندی، دولتشاه، (۱۳۸۹)، *تذکره الشعرا*، تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۷۲ - ۱۳۷۵)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، جلد ۴، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمسار، محمد حسن، (۱۳۸۹)، «جعفر بایسنغری»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۸، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- سه کی، یوشیفوسا، (تابستان - زمستان ۱۳۸۴ - ۸۵)، «آثار خوش نویسی در دو مرقع سلطان یعقوب»، *نامه بهارستان*، سال ششم، شماره اول - دوم، دفتر ۱۱ - ۱۲، صص ۷۵ - ۱۷۲.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۲)، *کتاب آراییی در تمدن اسلامی*، نجیب مایل هروی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- منشی قمی، قاضی میراحمد، (۱۳۵۲)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: بنیاد فرهنگ.
- نوروزیان، گیتی، (۱۳۹۷)، *ظهیرالدین اظهر*، تهران: پیکره.

ب) نسخه های خطی

- جنگ مراثنی بایسنغری، کتابت ظهیرالدین اظهر تبریزی، کتاب خانه ملی تبریز، شماره ۲۹۶۷.





- خمسہ / الیاس بن یوسف نظامی گنجوی، کتابت جعفر التبریزی، مورخ ۸۳۸ ق.، کتاب خانہ بریتانیا، شماره Or. 11919.
- دیوان / حافظ شیرازی، کتابت جعفر البایسنغری، بی تا، استانبول: موزه ترک و اسلام، شماره ۱۹۲.
- دیوان / حافظ شیرازی، کتابت جعفر الحافظ، بی تا، استانبول: کاخ موزه توقیاقو، شماره ۹۴۷.
- دیوان / حسن دهلوی، کتابت جعفر بایسنغری، مورخ ۸۲۵ ق.، تهران: کتاب خانہ و مرکز اسناد مجلس شورا، شماره ۴۰۱۷.
- دیوان / همام تبریزی، کتابت جعفر بن علی التبریزی، مورخ ۸۱۶ ق.، پاریس: کتاب خانہ ملی فرانسه، شماره 1531 sup persan.
- سر الاسرار / منسوب به ارسطو، کتابت جعفر بایسنغری، مورخ ۸۲۹ ق.، دوبلین: کتاب خانہ چستریتی، شماره Ar 4183.
- سنی ملوک الارض و الانبیاء / حمزہ اصفهانی، کتابت جعفر، مورخ ۸۳۴ ق.، لندن: کتاب خانہ بریتانیا، شماره Or. 2773.
- سه مثنوی همای و همایون، کمال نامہ و روضۃ الانوار / خواجوی کرمانی، کتابت میرعلی بن الیاس تبریزی باورچی، مورخ ۷۹۸ ق.، لندن: کتاب خانہ بریتانیا، شماره Add MS. 18113.
- شاهنامہ / فردوسی طوسی، کتابت جعفر تبریزی، مورخ ۸۳۳ ق.، تهران: کتاب خانہ سلطنتی، شماره ۳۴۱.
- شاهنامہ / فردوسی طوسی، کتابت محمد بن مطهر نیشابوری، مورخ ۸۳۳ ق.، تهران: کتاب خانہ ملی ملک، شماره ۶۰۳۱.
- صد کلمہ علی بن ابی طالب، کتابت جعفر التبریزی، مورخ ۸۴۷ ق.، تهران: کتاب خانہ و مرکز اسناد مجلس شورا، شماره ۱۳۶۵۴.
- کلیله و دمنہ / نصرالله منشی، کتابت جعفر، مورخ ۸۳۴ ق.، استانبول: کاخ توقیاقو، شماره H. 362.
- کلیله و دمنہ / نصرالله منشی، کتابت شمس بایسنغری، مورخ ۸۳۳ ق.، استانبول: کاخ توقیاقو، شماره R. 1022.
- گلستان / سعدی شیرازی، کتابت جعفر بایسنغری، مورخ ۸۳۰ ق.، دوبلین: کتاب خانہ چستریتی شماره Per. 119.
- گلستان / سعدی شیرازی، کتابت سلطانعلی مشهدی، مورخ ۸۹۱ ق.، واشنگتن: گالری





هنر فریر، شماره ۵. 1988. F.

- مرقع بهرام میرزا، کتابت جعفر التبریزی و جعفر البایسنغری، مقدمه دوست محمد گواشانی، مورخ ۹۴۲ ق.، استانبول: کاخ توپقاپو، شماره 2164. H.
- مرقع سلطان یعقوب، کتابت جعفر البایسنغری و جعفر، بی تا، استانبول: کاخ توپقاپو، شماره 2153. H.
- مرقع گلشن، کتابت جعفر الکاتب، بی تا، تهران: کتابخانه سلطنتی شماره ۱۶۶۳ - ۱۶۶۴.
- مرقع، کتابت جعفر الحافظ التبریزی، مورخ ۸۲۰ ق.، برلین: کتابخانه ملی، شماره 74. Diez A fol.